دوفصلنامه جامعه شناسی تاریخی
دوره ۱۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۵
مقاله پژوهشی، صص ۱۷۱-۱۹۹

تحول تاریخی آیین فتوت در تاریخ اسلام از سدهٔ دوم تا دهم هجری

حسین پولادیان*

استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان بوشهر

چکیده

آیین فتوت از پایدارترین سنت‌های فرهنگی و اجتماعی تمدن اسلامی است که از سده‌های نخستین اسلامی تا پایان سده دهم هجری، در تعامل با تحولات سیاسی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی، دگرگونی‌های گسترده‌ای را تجربه کرده است. با وجود پژوهش‌های متعدد دربارهٔ خاستگاه، مبانی اخلاقی یا برخی نمودهای فتوت، روند تحول تاریخی این سنت و عوامل مؤثر بر دگرگونی ساختار، کارکرد و جایگاه اجتماعی آن کمتر به‌صورت یکپارچه بررسی شده است. مسئلهٔ اصلی این پژوهش، تبیین چگونگی تحول تاریخی فتوت و شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر این فرایند در فاصلهٔ قرن دوم تا دهم هجری است. پژوهش با این فرض انجام شده است که فتوت نهادی تاریخی و پویا بوده و تحولات آن در پیوند با دگرگونی‌های ساختارهای اجتماعی، سیاسی و مذهبی قابل تبیین است. این پژوهش با رویکرد تاریخی و با بررسی و تحلیل انتقادی منابع تاریخی، فتوت‌نامه‌ها و آثار مرتبط، سیر تحول فتوت را بر اساس چهار معیار تحلیلیِ پایگاه اجتماعی، کارکرد اجتماعی، مبانی فکری و نسبت با قدرت سیاسی و سازمان‌یافتگی نهادی در پنج مرحلهٔ اصلی بررسی می‌کند: شکل‌گیری در میان عیاران، بازتفسیر دینی فتوت با تأکید بر سنت شیعی، ادغام در سنت صوفیانه، نهادینه‌شدن در ساختار سیاسی خلافت عباسی و سرانجام استقرار در سازمان‌های صنفی. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فتوت نهادی ثابت و دارای ماهیتی تغییرناپذیر نبود؛ بلکه در هر دوره تاریخی، متناسب با شرایط زمانه، با حفظ هسته اخلاقی خود، مبانی فکری، پایگاه اجتماعی و کارکردهایش را بازتعریف کرد و از این طریق توانست تداوم تاریخی خود را حفظ کند. بدین‌ترتیب، این سنت ضمن پاسداری از ارزش‌هایی چون جوانمردی، ایثار، وفاداری و خدمت به خلق، از جنبشی مردمی و اخلاقی به نهادی با کارکردهای مذهبی، عرفانی، سیاسی و صنفی تحول یافت. از این منظر، تاریخ فتوت را باید فرایندی پویا از بازتفسیر و بازسازمان‌دهی یک نظام ارزشی–اجتماعی در بستر تحولات تمدن اسلامی دانست که استمرار آن بیش از هر چیز مرهون ظرفیت انطباق با شرایط متغیر تاریخی و اجتماعی بوده است.

واژگان کلیدی: فتوت، تاریخ اسلام، تحول تاریخی، عیاری، تصوف، اصناف، نهادهای اجتماعی

---

*نویسنده مسئول: Email: hosseinpouladian1356@gmail.com

مقدمه

فتوت از ماندگارترین سنت‌های فرهنگی و اجتماعی تمدن اسلامی است که از سده‌های نخستین اسلامی تا پایان سده دهم هجری در عرصه‌های گوناگون حیات دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حضور داشته و در هر دوره تاریخی، متناسب با شرایط زمانه، معانی، کارکردها و صورت‌های متفاوتی یافته است. مفاهیمی چون جوانمردی، ایثار، وفاداری، حمایت از ناتوانان و پای‌بندی به اصول اخلاقی، هسته مشترک این سنت را تشکیل می‌دهند؛ اما شیوه تجلی این ارزش‌ها در طول تاریخ یکسان نبوده و در تعامل با تحولات جامعه اسلامی، پیوسته دگرگون شده است. ازاین‌رو، فتوت را نمی‌توان نهادی ایستا یا سنتی با ماهیتی ثابت دانست؛ بلکه باید آن را پدیده‌ای تاریخی تلقی کرد که در بستر تحولات تمدن اسلامی، بارها بازتعریف و بازسازمان‌دهی شده است.

پژوهش درباره فتوت پیشینه‌ای نسبتاً گسترده دارد. شماری از پژوهش‌ها به بررسی خاستگاه تاریخی و فرهنگی این سنت پرداخته‌اند و در خصوص ریشه‌های ایرانی، اسلامی یا ترکیبی آن دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. گروهی دیگر، فتوت را در پیوند با عیاران، جریان‌های صوفیانه، تشیع، اصناف شهری یا فتوت‌نامه‌ها مطالعه کرده‌اند و هر یک بخشی از تاریخ این سنت را روشن ساخته‌اند. با وجود ارزش این تحقیقات، اغلب آن‌ها بر یکی از ابعاد فتوت، یک دوره تاریخی یا یک جریان اجتماعی و مذهبی متمرکز بوده‌اند و کمتر کوشیده‌اند سیر تحول این سنت را در یک بازه زمانی بلندمدت و در پیوند با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تمدن اسلامی به‌صورت یکپارچه تحلیل کنند. در نتیجه، هنوز تصویری منسجم از چگونگی گذار فتوت از یک سنت فرهنگی–اجتماعی و اخلاقی به نهادی با کارکردهای مذهبی، سیاسی و صنفی ارائه نشده است.

مسئله اصلی این پژوهش، تبیین روند تحول تاریخی آیین فتوت از قرن دوم تا دهم هجری و تحلیل عوامل مؤثر بر این تحول است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که فتوت در این دوره چه مراحل اصلی تحول را پشت سر گذاشت و چگونه دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی، ساختار، کارکرد و جایگاه آن را متحول ساختند؟

این پژوهش با بهره‌گیری از منابع تاریخی، فتوت‌نامه‌ها و پژوهش‌های معتبر، روند تحول فتوت را در فاصله قرن دوم تا دهم هجری بررسی می‌کند. تحلیل حاضر بر این فرض استوار است که تحول فتوت را باید در پیوند با دگرگونی سه حوزه اصلی مطالعه کرد: نخست، تغییر پایگاه اجتماعی آن از گروه‌های مردمی به نهادهای دینی، سیاسی و صنفی؛ دوم، تحول کارکردهای آن متناسب با شرایط هر دوره؛ سوم، بازتفسیر

مستمر ارزش‌های بنیادین فتوت در مواجهه با تحولات جامعه اسلامی. بر این اساس، مقاله با بررسی مراحل مختلف تحول فتوت، از شکل‌گیری آن در میان عیاران تا پیوند با جریان‌های مذهبی، تصوف، خلافت عباسی و اصناف شهری می‌کوشد تصویری منسجم از فرایند تاریخی این سنت ارائه دهد.

هدف پژوهش در آن است که به جای مطالعه فتوت در قالب یک جریان خاص، یک دوره تاریخی یا یک گونه مشخص، آن را به‌مثابه سنتی پویا و در حال تحول بررسی کند و نشان دهد که استمرار تاریخی فتوت نه حاصل ثبات ساختاری، بلکه نتیجه توانایی آن در سازگاری با شرایط متغیر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تمدن اسلامی بوده است. از این منظر، مطالعه تحول تاریخی فتوت می‌تواند به فهم بهتر پویایی نهادهای اجتماعی و فرهنگی در تمدن اسلامی و چگونگی بازتولید سنت‌ها در بستر تحولات تاریخی یاری رساند.

پیشینه پژوهش

پژوهش درباره تحولات تاریخی آیین فتوت در دهه‌های اخیر گسترش یافته و آثار متعددی در این زمینه منتشر شده است. از جمله پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مقاله می‌توان به آثاری اشاره کرد که ابعاد تاریخی، اجتماعی و سیاسی فتوت و جریان‌های مرتبط با آن را در دوره‌های مختلف بررسی کرده‌اند. در خصوص دوره خلافت الناصر لدین‌الله، سیادت (۱۳۸۰) با تمرکز بر سیاست‌های خلافت عباسی، علل توجه الناصر لدین‌الله به فتوت را بررسی کرده است. گراوند و همکاران (۱۳۹۱) گفتمان‌های فتوت را از سده چهارم تا هشتم هجری تحلیل کرده‌اند و تحول مفهومی این سنت را در دوره‌های مختلف نشان داده‌اند. کرمی‌پور نیز در دو پژوهش مستقل (۱۳۹۱؛ ۱۳۹۷) با تمرکز بر خراسان بزرگ، ابعاد اجتماعی فتوت، عیاری و آیین پهلوانی را در فاصله سده‌های سوم تا هشتم هجری واکاوی و نقش این جریان‌ها را در تحولات اجتماعی آن منطقه تبیین کرده است. ولایتی و همکاران (۱۳۹٤) نیز در کتاب «دانشنامهٔ جوانمردی» کوشیده‌اند سیر تاریخی آیین جوانمردی را از عیاری در قرون اولیه اسلامی تا لوطی‌گری عهد قاجاری واکاوی کنند. درسار (۱۳۹٦) نیز ظهور و تداوم فتوت و تأثیرپذیری آن از وقایع نظامی را تا پایان سده هفتم بررسی کرده است. قربان‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی درباره فتوت و اخی‌گری در آذربایجان، پیوند این جریان با تصوف و نقش آن را در تحولات سیاسی منطقه تحلیل کرده‌اند.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که هر یک از این آثار، بخشی از ابعاد یا مقاطع تاریخی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی فتوت و جریان‌های مرتبط با آن را بررسی کرده‌اند؛ بااین‌حال، کمتر پژوهشی تحول این سنت را در یک بازه زمانی ممتد و بر اساس مجموعه‌ای از معیارهای تحلیلیِ واحد دنبال کرده است.

ازاین‌رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر سده دوم تا دهم هجری می‌کوشد فرایند تحول فتوت را از شکل‌گیری و گسترش آن در میان عیاران تا پیوند آن با ساختارهای مذهبی، صوفیانه، سیاسی و صنفی بررسی کند. انتخاب این بازه زمانی از آن روست که سده دوم هجری را می‌توان آغاز دوره شکل‌گیری و گسترش صورت‌های تاریخی فتوت در جامعه اسلامی دانست و سده دهم هجری را نقطه‌ای مناسب برای پایان این بررسی تلقی کرد؛ زیرا تا این دوره، مهم‌ترین مراحل تحول و نهادینه‌شدن این سنت و پیوند آن با ساختارهای اجتماعی و صنفی شهری شکل گرفته است.

پژوهش حاضر می‌کوشد خلأهای یادشده را برطرف سازد و با بررسی مراحل مختلف تحول فتوت، از شکل‌گیری آن در میان عیاران تا پیوند آن با ساختارهای مذهبی، سیاسی و صنفی، تصویری منسجم از پویایی تاریخی این سنت ارائه دهد.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی تاریخی انجام شده است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از منابع دست اول و دوم گردآوری شده‌اند. منابع دست اول شامل متون تاریخی، فتوت‌نامه‌ها، آثار صوفیه، سفرنامه‌ها و دیگر متون هم‌عصر با موضوع پژوهش است و منابع دست دوم را پژوهش‌های معاصر در حوزه تاریخ، تاریخ اجتماعی، تصوف و مطالعات فتوت تشکیل می‌دهند.

در تحلیل داده‌ها، صرفِ توصیفِ گزارش‌های تاریخی مدّ نظر نبوده، بلکه با مقایسه روایات و بررسی آن‌ها در بستر تحولات سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی، روند دگرگونی فتوت تبیین شده است. بر این اساس، مراحل مختلف تحول فتوت با تأکید بر پایگاه اجتماعی، کارکرد اجتماعی، مبانی فکری و نسبت با ساختار قدرت و سازمان‌یافتگی نهادی بررسی شده‌اند.

مبانی و معیارهای تحلیل

رویکرد تحلیلی این پژوهش بر بررسی فرایند «تحول تاریخی» فتوت استوار است. مقصود از تحول تاریخی، تغییر تدریجی ساختار، کارکرد و جایگاه اجتماعی یک سنت در اثر دگرگونی شرایط تاریخی است. بر این مبنا، هر مرحله از تاریخ فتوت نه به‌عنوان گسستی کامل از گذشته، بلکه به‌مثابه بازتفسیر ارزش‌های بنیادین آن در پاسخ به نیازها و اقتضائات جدید تحلیل می‌شود. بدین‌ترتیب، تداوم فتوت بیش از آنکه ناشی از ثبات ساختاری باشد، حاصل انعطاف‌پذیری و توانایی آن در انطباق با شرایط متغیر جامعه بوده است.

ازاین‌رو، مراحل مورد بررسی در این پژوهش، مقاطع زمانیِ منفک و جانشین یکدیگر نیستند؛ بلکه صورت‌های تاریخیِ هم‌پوشان و گاه هم‌زمانی‌اند که در بسترهای متفاوت جغرافیایی و اجتماعیِ فتوت شکل گرفته و تداوم یافته‌اند.

از نظر جغرافیایی، پژوهش حاضر با تمرکز بر کانون‌هایی که شواهد تاریخی و متون فتوت درباره تحول آن‌ها در دسترس است، به‌ویژه عراق، شام، آناتولی، مصر و ایران، روند دگرگونی فتوت را بررسی می‌کند و مدعی ارائه تاریخ جامع و یکسانِ فتوت در تمامی مناطق جهان اسلام نیست. ازاین‌رو، انتخاب نمونه‌های تاریخی بر اساس ظرفیت آن‌ها برای نشان‌دادن اشکال مختلف تحول فتوت صورت گرفته است، نه بر مبنای پوشش جغرافیایی یکسان همه سرزمین‌های اسلامی.

تحلیل مراحل تحول فتوت در این پژوهش بر چهار معیار اصلی استوار است: نخست، پایگاه اجتماعی؛ بدین معنا که فتوت در هر دوره تاریخی با کدام گروه‌های اجتماعی پیوند یافته است و مخاطبان و حاملان اصلی آن چه کسانی بوده‌اند؟ دوم، کارکرد اجتماعی؛ یعنی نقش و کارکردی که فتوت در هر مرحله در عرصه‌های اجتماعی، دینی، سیاسی یا اقتصادی ایفا کرده است. سوم، مبانی فکری و نسبت با ساختار قدرت؛ یعنی مهم‌ترین ارزش‌ها و آموزه‌هایی که فتوت در هر دوره بر آن‌ها استوار بوده است و چگونگی تعامل دوسویه آن با حکومت‌ها، نهادهای دینی و ساختارهای سیاسی و اجتماعی؛ از جمله نقش فتوت در تقویت یا به چالش کشیدن اقتدار و مشروعیت ساختارهای سیاسی. چهارم، سازمان‌یافتگی نهادی؛ بدین معنا که فتوت در هر دوره تا چه اندازه از یک جریان یا منش اخلاقی به نهادی سازمان‌یافته با ساختار، سلسله‌مراتب، آیین‌ها و قواعد مشخص تبدیل شده و این فرایند چه تأثیری بر تداوم و گسترش آن داشته است.

جدول ۱. چهارچوب تحلیلی پژوهش برای بررسی تحول تاریخی آیین فتوت

معیار تحلیلی	پرسش محوری	شاخص‌های بررسی	نمود تاریخی در تحول آیین فتوت
پایگاه اجتماعی	حاملان اصلی فتوت در هر دوره چه گروه‌هایی بودند؟	ترکیب اجتماعی اعضا، گروه‌های مرجع، مخاطبان	عیاران ← شیعیان ← صوفیان ← فتیان وابسته به خلافت ← اصناف شهری

معیار تحلیلی	پرسش محوری	شاخص‌های بررسی	نمود تاریخی در تحول آیین فتوت
کارکرد اجتماعی	فتوت در هر دوره تاریخی چه نیازها یا کارکردهایی را برآورده می‌کرد؟	دفاع اجتماعی، تربیت اخلاقی، مشارکت اجتماعی و سیاسی، حمایت از حکومت، انسجام و سامان‌یابی اجتماعی و صنفی	دفاع از شهرها ← ولایتمداری و حمایت اجتماعی ← تربیت اخلاقی ← حمایت از خلافت ← مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی ← نقش‌آفرینی در سازمان‌های صنفی
مبانی فکری و نسبت با ساختار قدرت	فتوت در هر دوره بر چه مبانی فکری استوار بود و چه نسبتی با ساختار قدرت داشت؟	ارزش‌های اخلاقی، آموزه‌های دینی و عرفانی، الگوهای تعامل و مشارکت در ساختار قدرت	جوانمردی و ارزش‌های اخلاقی ← پیوند با آموزه‌های دینی و ولایت ← سلوک صوفیانه ← تعامل با خلافت و سازمان‌یافتگی سیاسی ← نقش‌آفرینی اجتماعی و سیاسی فتیان در ساختارهای شهری تا سده دهم
سازمان‌یافتگی نهادی	فتوت در هر دوره چگونه سازمان‌دهی می‌شد؟	گروه‌های محلی و غیررسمی، خانقاه‌ها، تشکیلات رسمی، سازمان‌های صنفی	گروه‌های محلی و غیررسمی ← خانقاه‌ها ← تشکیلات رسمی خلافت ← سازمان‌های صنفی

مرحله نخست تحول فتوت: شکل‌گیری فتوت در بستر عیاری و جامعه شهری

تحول تاریخی عیاری

هرچند درباره خاستگاه تاریخی فتوت دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است و برخی پژوهشگران بر ریشه‌های ایرانی، برخی بر منشأ اسلامی و گروهی نیز بر شکل‌گیری آن در تعامل این دو سنت تأکید کرده‌اند (معتمدی و باخدا، ۱۳۹۰: ۵۳-۸۲؛ ولایتی و همکاران، ۱۳۹٤، ج۱: ۷۰؛ تشنر، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱٤۱).

آنچه از منظر این پژوهش اهمیت دارد، ظهور و شکل‌گیری تدریجی فتوت در بستر جامعه شهری سده‌های نخستین اسلامی و پیوند آن با سنت عیاری است.

پیدایش عیاران را باید در متن تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سده‌های دوم و سوم هجری تحلیل کرد. رشد مراکز شهری و گسترش فعالیت‌های بازار و محلات شهری در برخی مناطق، ضعف اقتدار حکومت مرکزی در پاره‌ای از نواحی، ناامنی راه‌ها، رقابت قدرت‌های محلی و ناتوانی دستگاه اداری در تأمین امنیت و عدالت، زمینه‌هایی را برای ظهور گروه‌هایی فراهم ساخت که افزون بر توان نظامی، بر ارزش‌هایی همچون شجاعت، وفاداری، حمایت از فرودستان، دفاع از حیثیت اجتماعی و پای‌بندی به پیمان تأکید داشتند (ر.ک: دوری، ۱۹۶۹: ۵۹؛ بیطار، ۱۹۸۰: ۱۲۳؛ تشنر، ۱۳۸۵: ۱۳٦؛ گوهرین، ۱۳۸۵: ۱۲۷–۱۲۸؛ نفیسی، ۱۳٤۳: ۱۳۱؛ شعبانی، ۱۳۷٤: ۲۳۰؛ حاکمی، ۱۳۸۲: ۲۰–۵۰).

نخستین کانون‌های عیاری در خراسان و سیستان شکل گرفت. در خراسان، نارضایتی از حکومت اموی و شرایط اجتماعی و سیاسی این ناحیه، زمینه مساعدی برای شکل‌گیری و گسترش جریان‌های عیاری فراهم کرد (ر.ک: حاکمی، ۱۳۸۲: ٦۷–۷۱؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۳٤۸). در سیستان نیز عیاران با مقاومت در برابر کارگزاران خلافت عباسی و مسدود کردن کاروان‌های حامل مالیات و خراج، حمایت از فرودستان و دفاع از شهرها و روستاها، پایگاه اجتماعی گسترده‌ای به دست آوردند. تاریخ سیستان در گزارش‌های خود، افزون بر عیاران، از گروه‌هایی چون سالوکان، فتیان و مطوّعه نیز یاد کرده است (تاریخ سیستان، ۱۳۸۹: ۱۵۳، ۲۲٤). پژوهشگران همچنین از سازمان‌یافتگی این گروه‌ها خبر می‌دهند؛ به‌گونه‌ای که عیاران از سلسله‌مراتبی متشکل از عریف، نقیب، قائد و امیر برخوردار بودند که بیانگر انسجام تشکیلاتی و توانایی آنان در بسیج و هدایت نیروهاست (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

اوج این روند در قرن سوم هجری و با تشکیل دولت صفاری آشکار شد. یعقوب لیث صفار که از محیط عیاران برخاسته بود، با اتکا به سازمان رزمی و پایگاه اجتماعی آنان، حکومت مستقلی در سیستان بنیان نهاد و برای نخستین‌بار ظرفیت سیاسی عیاری را در سطح حکومت به نمایش گذاشت. بااین‌حال، ورود عیاران به عرصه قدرت، کارکردهای اولیه آنان را نیز دگرگون کرد و آنان را از یک نیروی عمدتاً مردمی به بازیگری فعال در رقابت‌های سیاسی تبدیل ساخت. پس از سقوط صفاریان نیز عیاران در برابر سامانیان و دیگر حکومت‌های محلی به فعالیت و مقاومت ادامه دادند که این امر از تداوم نفوذ اجتماعی و سیاسی آنان حکایت دارد (ر.ک: تاریخ سیستان، ۱۳۸۹: ۱۹۳–۲۰۵؛ حاکمی، ۱۳۸۲: ٦۸–۷۱؛ افشاری، ۱۳۸٤: ۱۹).

در دوره غزنوی، عیاران گاه در خدمت حکومت قرار گرفتند و گاه در برابر آن ایستادند؛ ازاین‌رو، نقش آنان بسته به شرایط سیاسی هر منطقه تغییر می‌کرد. اما با استقرار حکومت مقتدر سلجوقیان و تقویت نهادهای نظامی و دیوانی، امکان فعالیت مستقل آنان به‌تدریج محدود شد. در نتیجه، بخشی از سنت عیاری از عرصه نظامی و سیاسی فاصله گرفت و در قالب گروه‌های فتوت، محافل صوفیانه و اجتماعات شهری به حیات خود ادامه داد (محجوب، ۱۳۵۰: ۳۲).

این تحول در دیگر مراکز جهان اسلام نیز مسیر یکسانی نداشت. در بغداد، عیاران از اواخر سده دوم هجری، به‌ویژه در دوره‌های ضعف خلافت عباسی، حضوری نیرومند در عرصه‌های نظامی و سیاسی داشتند؛ چنان‌که در کشمکش امین و مأمون در دفاع از بغداد و قصر امین نقش ایفا کردند (ر.ک: مسعودی، ۱۳۷۰، ج۲: ۴۰۳–۴۲۱؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۲۵۰؛ سیادت، ۱۳۸۰: ۱۰۷–۱۱۸) و فعالیت آنان در سده‌های پنجم و ششم نیز با شورش، رقابت بر سر قدرت شهری و کنش‌های جنگاورانه ادامه یافت (جواد، ۱۳۹۹: ۴۵–۴۰). در شام نیز احداث، به‌عنوان گروه‌هایی با سنت‌های عیاری و جوانمردانه از سده پنجم تا نهم هجری در تحولات سیاسی و شهری نقش داشتند؛ از جمله در سال ۴۱۵ هجری در تصرف حلب و خروج آن از سلطه فاطمیان با صالح بن مرداس همکاری کردند و در سال ۴۴۸ هجری نیز در اعتراض به حاکم منصوب و سپس در شورش علیه او مشارکت داشتند (محجوب، ۱۳۵۰: ۳۲؛ ابن‌جبیر، ۱۳۷۰: ۲۸؛ جواد، ۱۳۹۹: ۴۱). این شواهد نشان می‌دهد که سنت عیاری در خارج از ایران نیز تا سده‌های میانه اسلامی استمرار داشت و در بغداد و شام، متناسب با شرایط سیاسی، بیشتر در قالب کنش‌های نظامی، شهری و سیاسی بروز می‌یافت.

افزون بر بغداد و شام، آناتولی یکی از مهم‌ترین کانون‌های تحول و نهادینه‌شدن فتوت بود که در آن، اهل فتوت با عنوان «اخی» یا «اخیان» شناخته می‌شدند. اخیان، افزون بر پای‌بندی به اصول جوانمردی با مهمان‌نوازی، حمایت از ضعفا، یاری‌رسانی به مسافران و ایفای نقش در حل منازعات شهری شناخته می‌شدند و به‌تدریج به یکی از نیروهای مؤثر اجتماعی و شهری آناتولی تبدیل شدند. گزارش ابن‌بطوطه از سفر به آسیای صغیر در سده هشتم هجری، از وجود خانقاه‌های متعدد اخیان در شهرهایی چون قونیه، بروسه و قَسطمونیه و اهتمام آنان به اطعام و حمایت مالی از فقرا و مسافران حکایت دارد؛ وی اخیان را از کریم‌ترین و مهمان‌نوازترین گروه‌هایی می‌داند که در سفر خود دیده است (ابن‌بطوطه، ۱۳۷۶: ج۱: ۳۴۷–۳۴۸، ۳۵۶، ۳۷۳–۳۷۲، ۳۸۵). شواهد تاریخی همچنین نشان می‌دهد که اخیان در شرایط ضعف اقتدار مرکزی و درگیری‌های دوره مغول، از نفوذ مردمی برخوردار شدند، در دفاع از شهرها مشارکت کردند و

گاه در برابر تعدی کارگزاران حکومت از مردم حمایت کردند؛ ازاین‌رو، فتوت در آناتولی از صورت یک سنت اخلاقی فراتر رفت و در قالب نهادی اجتماعی، دینی و شهری با اصناف و ساختارهای محلی پیوند یافت؛ روندی که بعدها در شکل‌گیری جامعه و دولت عثمانی نیز تأثیرگذار بود (بیانی، ۱۳۷۰: ج۲: ۷۳۸؛ محجوب، ۱۳۹۵: ۵۸-۷۱؛ گراوند و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵٦). افزون بر این، شواهد موجود از تداوم برخی سنت‌های جوانمردی در نواحی کردنشین شمال عراق حکایت دارد؛ به‌گونه‌ای که طریقت جوانمردان آناتولی در میان کردها با عنوان «کاکاییه» شناخته شد و آثاری از این سنت، از جمله محله «اخی حسین» در کرکوک تا دوره‌های متأخر باقی ماند (سیادت، ۱۳۸۰: ۱۰۰). در مصر نیز فتوت در پیوند با تحولات خلافت عباسی جایگاه یافت. پس از سقوط بغداد و احیای خلافت عباسی در مصر، این سنت در دوره ملک‌الظاهر بیبرس بار دیگر مورد توجه قرار گرفت و با برگزاری آیین فتوت و پوشیدن لباس فتوت در حضور خلیفه عباسی، در عرصه سیاسی و اجتماعی نمود یافت. ازاین‌رو، فتوت در مصر، ضمن تداوم کارکرد اخلاقی خود، با خلافت و مناسبات سیاسی این دوره نیز پیوند یافت (محجوب، ۱۳۹۵: ۵۱). بدین‌ترتیب، تجربه آناتولی، شمال عراق و مصر نشان می‌دهد که فتوت در دیگر مناطق جهان اسلام نیز، متناسب با شرایط اجتماعی و سیاسی هر منطقه، از سنتی اخلاقی به شبکه‌ای اجتماعی و شهری با کارکردهای دینی، اقتصادی و حمایتی تحول یافت.

در دوره مغول و ایلخانان، برخی عناصر فرهنگ عیاری و جوانمردی در قالب گروه‌هایی چون پهلوانان و اخیان استمرار یافت و در تحولات نظامی و سیاسی نیز بازتاب پیدا کرد؛ برای نمونه، حسام‌الدین محمد گروهی از پهلوانان و عیاران را در برابر مغولان گرد آورد و کشتکین پهلوان پس از بازپس‌گیری مرو، عهده‌دار حکومت آنجا شد (کرمی‌پور، ۱۳۹۷: ٤؛ جوینی، ۱۳۸۵، ج۱: ۱۲۹-۱۳۲). در سده هشتم نیز برخی پهلوانان و اخیان در ساختارهای نظامی و سیاسی حکومت‌های محلی حضور یافتند؛ چنان‌که پهلوان اسد به حکومت کرمان رسید و سپس علیه آل‌مظفر شورید و اخی شجاع‌الدین نیز در بم ادعای استقلال کرد (ولایتی، ۱۳۹٤، ج۲: ۲۱۱؛ بیانی، ۱۳۷۰، ج۲: ۷٤۱). همچنین کلوها در برخی تحولات سیاسی شهری، از جمله انتقال حکومت شیراز، نقش داشتند (افشاری و مداینی، ۱۳۸۸: ۳۵). بنابراین، استمرار عیاری در این دوره را نه به معنای تداوم مستقیم یک سازمان واحد، بلکه به‌صورت بازتاب و بازتفسیر برخی عناصر عیاری و جوانمردی در قالب‌های جدید نظامی و سیاسی می‌توان توضیح داد. با استقرار دولت صفوی و تمرکز قدرت سیاسی، استقلال این گروه‌ها کاهش یافت، هرچند برخی عناصر عیاری و پهلوانی در فرهنگ رزمی و ادبیات عامه استمرار پیدا کرد (ر.ک: ولایتی، ۱۳۹٤، ج۲: ۲۱٤؛ افشار و افشاری، ۱۳۸۵: ٤٦۵).

تحلیل مرحله عیاری بر پایه معیارهای چهارگانه این پژوهش نشان می‌دهد که فتوت در سده‌های دوم و سوم هجری در میان گروه‌های عیاریِ جامعه شهری با کارکردهای متنوع اجتماعی عمل می‌کرد. در این مرحله، پایگاه اجتماعی فتوت عمدتاً از میان جوانان، فتیان، عیاران، صعالیک، پیشه‌وران و دیگر اقشار متوسط و فرودست شهرها شکل گرفت؛ گروه‌هایی که در فضای ناپایدار سیاسی و ضعف نهادهای رسمی، نقش مهمی در تأمین امنیت محلات، حمایت از مردم و ایجاد همبستگی اجتماعی ایفا می‌کردند.

از نظر کارکرد اجتماعی، فتوت در این دوره پاسخی به نیازهای جامعه شهری در شرایط ضعف اقتدار سیاسی بود. عیاران افزون بر مشارکت در دفاع از شهرها و مقابله با ناامنی، در بسیاری از موارد به تنظیم روابط اجتماعی، حمایت از فرودستان و حفظ نظم محلی نیز کمک می‌کردند (برای اطلاع بیشتر بنگرید به: کرمانی، ۱۳٦٦: ۹۲؛ مناظر احسن، ۱۳۸۹: ۱۵۸؛ تشنر، ۱۳۸۵: ۱۳۵–۱۳٦؛ باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۱۵٤–۱۵٦؛ تاریخ سیستان، ۱۳۸۹: ۱۹۳-۲۰۵). البته همین ظرفیت اجتماعی، آنان را در برخی مقاطع وارد منازعات سیاسی و رقابت‌های قدرت ساخت؛ ازاین‌رو، کارکرد فتوت در این مرحله دوگانه بود: از یک‌سو نهادی برای همبستگی و حمایت اجتماعی و از سوی دیگر نیرویی که در شرایط خاص می‌توانست به بازیگری سیاسی تبدیل شود. این دوگانگی، ویژگی مهم مرحله آغازین فتوت است و نباید یکی از این دو وجه، دیگری را تحت‌الشعاع قرار دهد.

از حیث مبانی فکری و نسبت با ساختار قدرت، فتوت عیاری در این مرحله عمدتاً بر مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی همچون شجاعت، وفاداری، عدالت، سخاوت، حمایت از ستمدیدگان، رازداری و وفای به عهد استوار بود؛ ارزش‌هایی که در پیوند با شرایط اجتماعی و سیاسی شهرها به عیاران امکان می‌داد تا در بخش‌هایی از جامعه از پشتوانه اجتماعی برخوردار شوند، هرچند برخی منابع وابسته به حکومت، متأثر از تعارض‌های سیاسی، تصویر منفی‌ای از آنان ارائه کرده‌اند (ر.ک: ابن‌جوزی، بی‌تا: ٦۹–۲۲٤؛ ابن‌اثیر، ۱۳٦٤، ج۱۲: ۵۱۵۸؛ واصفی، ۱۳٤۹، ج۱: ٤۷۱). در نسبت با ساختار قدرت نیز، این گروه‌ها الگوی ثابتی نداشتند؛ گاه در برابر حکومت‌های وقت قرار می‌گرفتند، گاه با قدرت‌های محلی همکاری می‌کردند و در مواردی، همچون تجربه صفاریان، از سطح یک نیروی اجتماعی به مشارکت‌کننده در ساختار قدرت ارتقا یافتند. بنابراین، تعامل عیاران با قدرت سیاسی تابع شرایط تاریخی و موازنه نیروهای اجتماعی بود و با وجود حضور آنان در برخی ساختارهای سیاسی، هنوز به وابستگی نهادی و پایدار به قدرت سیاسی نینجامیده بود.

سرانجام، از منظر سازمان‌یافتگی نهادی، عیاران اگرچه فاقد ساختار رسمی و فراگیر بودند؛ اما از

تشکیلات درونی، سلسله‌مراتب و هنجارهای مشترک برخوردار بودند. وجود مناصبی چون عریف، نقیب، قائد و امیر، همراه با آیین‌های وفاداری و قواعد رفتاری نشان می‌دهد که فتوت از همان مراحل نخستین دارای ظرفیت سازمانی قابل توجهی بوده است.

مرحله دوم تحول فتوت: بازتفسیر دینی فتوت با تأکید بر سنت شیعی

اسلام با ایجاد دگرگونی‌های عمیق در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی، زمینه بازتعریف بسیاری از سنت‌های فرهنگی پیش از خود را فراهم ساخت. فتوت نیز از این قاعده مستثنا نبود و از سده‌های نخستین اسلامی، به‌تدریج در تعامل با آموزه‌های دینی، هویتی تازه یافت. در این میان، تشیع به دلیل تأکید بر عدالت، حمایت از مظلوم، وفاداری، ایثار و ولایت، یکی از مهم‌ترین بسترهای بازتفسیر گفتمان فتوت به شمار می‌رفت. ازاین‌رو، مقصود از «فتوت شیعی» آن نیست که همه گروه‌های فتیان و عیاران شیعه‌مذهب بوده‌اند؛ بلکه منظور، شکل‌گیری گفتمانی است که ارزش‌های بنیادین فتوت را در پرتو اندیشه و فرهنگ شیعی بازخوانی و بازتفسیر کرد.

نخستین نشانه‌های این تحول را می‌توان در سده دوم هجری و در شهر کوفه مشاهده کرد. کوفه که از مراکز مهم تشیع و یکی از کانون‌های اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی علیه حکومت اموی بود، محیطی مناسب برای پیوند ارزش‌های جوانمردی با آرمان‌های عدالت‌خواهانه شیعه فراهم ساخت. مصطفی کامل شیبی، با تأکید بر هم‌خاستگاهی تاریخی فتوت و تشیع، کوفه را زادگاه هر دو جریان می‌داند و بر این باور است که شرایط اجتماعی این شهر، از جمله ستم سیاسی، تبعیض و محرومیت، زمینه ظهور گروه‌هایی را فراهم آورد که با تکیه بر شجاعت، فداکاری و حمایت از ستمدیدگان، هسته‌های نخستین فتوت شیعی را شکل دادند (شیبی، ۱۳۵۹: ۲٦٥).

در این مرحله، جایگاه ممتاز حضرت علی (ع) به یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌بخش گفتمان فتوت تبدیل شد. این پیوند دست‌کم در سده ششم هجری در منابع فتوت بازتاب یافته است؛ چنان‌که ابن‌معمار بغدادی در *الفتوة*، ضمن نقل روایتی از پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) را در شمار برجسته‌ترین جوانمردان معرفی می‌کند (ابن‌معمار، ۱۳۹۹: ۱۱۷). در فتوت‌نامه‌های دوره‌های بعد، این پیوند صورت گسترده‌تری یافت و حضرت علی (ع) با القابی چون «منبع عین فتوت»، «معدن جود و مروت»، «امام ائمه فتیان»، «قطب مدار فتوت» و «سرور فتیان» به‌عنوان الگوی برتر جوانمردی و سرچشمه فضایل فتوت معرفی شد (میرعابدینی و افشاری، ۱۳۷٤: ٤٨٣؛ گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۷۵؛ ریاض، ۱۳۸۸: ۱٦٥؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ٤٨؛

پولادیان و دیگران، ۱٤۰۰: ٦۳-٦۷). همچنین نقل گسترده روایات از امام علی (ع) و امام جعفر صادق (ع) و معرفی حضرت مهدی (عج) به‌عنوان «خاتم‌الفتیان» در برخی فتوت‌نامه‌ها، نشان می‌دهد که مشروعیت اخلاقی فتوت به‌تدریج با آموزه‌های امامت و ولایت پیوند خورده بود. بدین‌ترتیب، فتوت از سطح یک سنت اجتماعی فراتر رفت و به الگویی اخلاقی با پشتوانه دینی تبدیل شد.

در عصر عباسی، این گرایش ابعاد اجتماعی و سیاسی آشکارتری یافت. بخشی از محله‌های شیعه‌نشین بغداد به پایگاه فعالیت جوانمردان شیعی تبدیل شد و در جریان برخی قیام‌ها، از جمله قیام یحیی بن عمر در سال ۲۵۰ هجری، پیوند میان گرایش‌های شیعی و گروه‌های فتوت آشکار شد (ابن‌اثیر، ۱۳٦٤، ج۱۰: ٤۱۹۰). در سده پنجم هجری نیز بساسیری، با اتکا به نیروهای شیعی و فتیان، برای مدتی بغداد را در اختیار گرفت و به نام خلیفه فاطمی خطبه خواند. هرچند این حرکت با دخالت طغرل سلجوقی ناکام ماند؛ اما نشان داد که بخشی از جریان فتوت شیعی، افزون بر کارکردهای اجتماعی، ظرفیت حضور در عرصه رقابت‌های سیاسی را نیز یافته بود (سیادت، ۱۳۸۰: ۱٤٤).

در قرن ششم و به‌ویژه در دوره خلافت الناصر لدین‌الله، نفوذ عناصر شیعی در گفتمان فتوت بیش از پیش نمایان شد. منشورهای فتوت، حضرت علی (ع) را منشأ همه فضایل جوانمردی معرفی کردند و انتساب معنوی همه فتیان را به ایشان رساندند (کاشانی، ۱۳٦۹: ۲٦۰؛ صراف، ۱۳۷۰: ٦۳، ۹۹، ۱۰۰؛ ریاض، ۱۳۸۸: ۱۵٦؛ ابن‌معمار، ۱۳۹۹: ۱۱۷؛ جواد، ۱۳۹۹: ۵۲ و ٦۱). این تحول، از یک سو با سیاست‌های خلافت ناصری در سازمان‌دهی و گسترش فتوت ارتباط داشت و از سوی دیگر، با افزایش حضور و تأثیر عناصر شیعی در برخی منابع و مناسک فتوت همراه بود. در همین زمینه، برخی پژوهشگران، «کسب رضایت شیعیان و ریاست فائقه معنوی بر همه فرق اسلامی» را از جمله دلایل پیوستن ناصر به فتوت دانسته‌اند (بیانی، ۱۳٦۷، ج۱: ۲۷۲). ازاین‌رو، در این دوره، گفتمان شیعیِ فتوت از یک جریان محلی فراتر رفت و در سطحی گسترده‌تر بر ادبیات و آیین‌های فتوت اثر گذاشت.

پس از یورش مغول، به‌ویژه در دوره ایلخانی، پیوند فتوت و تشیع وارد مرحله تازه‌ای شد. فروپاشی نظم سیاسی پیشین و گسترش نارضایتی‌های اجتماعی، زمینه را برای شکل‌گیری جنبش‌هایی فراهم آورد که آرمان‌های شیعی و ارزش‌های جوانمردی را در کنار یکدیگر قرار دادند. نهضت سربداران نمونه برجسته این روند است. این جنبش با بهره‌گیری از مفاهیمی چون عدالت، برادری، مبارزه با ظلم و حمایت از محرومان، توانست اقشار مختلف جامعه از پیشه‌وران و بازرگانان تا خرده‌مالکان و توده‌های شهری را گرد آورد و یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اجتماعی فتوت شیعی را پدید آورد (بیانی، ۱۳۷۰، ج۲: ۷۵۵-۷۷۰). در

این مرحله، فتوت شیعی بیش از گذشته به جنبشی اجتماعی با آرمان‌های دینی و عدالت‌خواهانه تبدیل شد.

از قرن هشتم هجری به بعد، بخشی از میراث فتوت شیعی در فرهنگ پهلوانی و زورخانه‌ای استمرار یافت. ورزش زورخانه‌ای در کنار کارکرد ورزشی، با آیین‌ها و ارزش‌های جوانمردی پیوند داشت و به‌تدریج برخی عناصر و نمادهای شیعی نیز در آداب آن جای گرفت. ذکر نام حضرت علی (ع)، مدح اهل‌بیت (ع)، اشعار و اذکار مذهبی و برخی آیین‌های زورخانه‌ای از جلوه‌های این پیوند بود (رهبری، ۱۳٤۷: ٦؛ پرتو بیضایی کاشانی، ۱۳۸۲: ۷۰–۷۱؛ صدیق ایمانی، ۱۳۸۷: ۵۰). این روند در دوره صفوی، هم‌زمان با رسمیت یافتن مذهب تشیع و گسترش فرهنگ پهلوانی، ابعاد گسترده‌تری یافت؛ چنان‌که وجود منصب پهلوان‌باشی در ساختار دربار صفوی و رواج کشتی و ورزش زورخانه‌ای از جایگاه این سنت در آن دوره حکایت دارد (انصاف‌پور، ۱۳۵۳: ۵۵). بدین‌ترتیب، بخشی از عناصر اخلاقی و آیینی فتوت در فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای تداوم یافت.

مهم‌ترین تحول این مرحله، پیوند یافتن مبانی اخلاقی فتوت با آموزه‌های دینی بود. اگر در مرحله عیاری، هویت فتوت عمدتاً بر پایه همبستگی شهری، حمایت از فرودستان و ارزش‌های اخلاقی استوار بود، در این مرحله همان ارزش‌ها با مفاهیم دینی، به‌ویژه آموزه‌های امامت، ولایت و عدالت در اندیشه شیعی، بازتعریف شدند. بدین‌ترتیب، فتوت بدون گسست از بنیان‌های اخلاقی خود، صورت اعتقادی و دینی آشکارتری یافت و وارد مرحله‌ای تازه از تحول تاریخی شد.

از نظر پایگاه اجتماعی، فتوت شیعی همچنان در میان اقشار شهری، فتیان شیعی، پیشه‌وران، جوانان و گروه‌های مردمی حضور داشت؛ اما به‌تدریج با عالمان دینی، سادات، حلقه‌های شیعی و رهبران جنبش‌های عدالت‌خواه مانند شیخ خلیفه مازندرانی و شاگرد او شیخ حسن جوری (بیانی، ۱۳۷۰، ج۲: ۷۵۵–۷۷۰)، زورخانه‌ها و گروه‌های پهلوانی نیز پیوند برقرار کرد (کاظمینی، ۱۳٤۳: ۳۵٦–۳۵۷؛ انصاف‌پور، ۱۳۵۳: ۵۵). این تحول موجب شد دامنه نفوذ اجتماعی فتوت از شبکه‌های محلی فراتر رود و در میان طیف گسترده‌تری از نیروهای اجتماعی گسترش یابد.

از منظر کارکرد اجتماعی، فتوت شیعی دیگر صرفاً نهادی برای حفظ امنیت محلات یا حمایت از مردم در برابر بی‌نظمی نبود؛ بلکه در پیوند با آموزه‌های شیعی، ابعاد دینی و اجتماعی گسترده‌تری یافت. دفاع از عدالت، حمایت از مظلومان، مبارزه با ستم و پاسداری از کرامت انسانی، که پیش‌تر بیشتر در قالب ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی نمود داشت در این مرحله با آموزه‌های امامت و ولایت و به‌ویژه فرهنگ

عاشورا پیوند خورد. واقعه عاشورا و قیام امام حسین (ع) با تأکید بر آزادگی، ایثار و وفای به عهد، از سرچشمه‌های معنایی فتوت شیعی شد و مفهوم جوانمردی را به مسئولیتی اجتماعی و دینی در برابر ظلم و بی‌عدالتی پیوند داد. همچنین، اشتراک فتوت و تشیع در ارزش‌هایی چون عدالت، دفاع از مظلوم، حمایت از محرومان، ایثار و کرامت انسانی، زمینه همگرایی این دو جریان را در برخی دوره‌های تاریخی فراهم ساخت (پولادیان و همکاران، ۱٤۰۰: ٦۳-٦۷).

از منظر مبانی فکری و نسبت با ساختار قدرت، فتوت شیعی با بازتعریف ارزش‌های جوانمردی در پرتو ولایت و منزلت امام علی (ع)، از چهارچوب صرفاً اخلاقی فراتر رفت و صورتی دینی یافت؛ چنان‌که در فتوت‌نامه‌های دوره‌های میانه، علی (ع) با تعابیری چون «سرور فتیان» و «قطب فتوت» معرفی شده و حدیث «لا فتی إلا علی» نیز در پیوند فتوت با شخصیت علوی بازتاب یافته است؛ همچنین کاربرد تعابیری چون «پنجه خیبرگشا»، «کمربسته مولا»، «علی شیر خدا»، «امام»، «یازده فرزند برحق» و «چهارده معصوم» در سنت پهلوانی و زورخانه‌ای، بازتاب‌دهنده پیوند ارزش‌های فتوت با آموزه‌های شیعی و محوریت خاندان پیامبر (ص) بود (ر.ک: کاشانی، ۱۳٦۹: ۲٦۰؛ صراف، ۱۳۷۰: ٦۳-٦٤، ۱۰۰؛ پرتو بیضایی کاشانی، ۱۳۸۲: ۷۱-۷۰؛ ابن‌معمار، ۱۳۹۹: ۱۱۷؛ گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۷۵). این مبانی در برخی بسترهای تاریخی به الگوی خاصی از تعامل با قدرت سیاسی نیز انجامید؛ چنان‌که در جنبش سربداران، شماری از رهبران و نیروهای آن، از جمله عبدالرزاق باشتینی، پهلوان حیدر قصاب و کلو اسفندیار، در منابع در شمار عیاران و پهلوانان معرفی شده‌اند. ابن‌بطوطه نیز، در توصیف قلمرو سربداران، بر رواج عدالت در میان آنان تأکید کرده است (ابن‌بطوطه، ۱۳۷٦: ٤٦٤؛ همچنین بنگرید به: پطروشفسکی، ۱۳۵۱: ۱۰، ۵۲).

از نظر سازمان‌یافتگی نهادی نیز، فتوت شیعی نسبت به مرحله عیاری از انسجام بیشتری برخوردار شد. اگرچه هنوز صورت تشکیلاتی رسمی نیافته بود، اما گسترش فتوت‌نامه‌ها، تثبیت آیین‌های تشرف، انتقال آموزه‌ها در حلقه‌های آموزشی و پیوند با مراکز دینی، موجب شکل‌گیری هنجارها و الگوهای مشترک شد. این انسجام بیشتر، زمینه انتقال فتوت از شبکه‌های محلی به نهادهای گسترده‌تر دینی و اجتماعی را فراهم کرد و ظرفیت آن را برای پذیرش در خانقاه‌ها و تشکیلات رسمی افزایش داد.

مرحله سوم تحول فتوت: عرفانی‌شدن گفتمان فتوت در سنت صوفیانه

پیوند فتوت و تصوف و چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این دو سنت از یکدیگر از مسائل مهم در بررسی تحول تاریخی فتوت است. بسامد بالای واژگان عیار، فتی، جوانمرد و فتوت در متون صوفیانه نشان

می‌دهد که تصوف از آیین عیاری و جوانمردی تأثیر پذیرفته است. نویسنده *قابوس‌نامه* جوانمردی «فقرای تصوف» را بیش از همه گروه‌های اجتماعی روزگار خود می‌داند. او ضمن تقسیم صوفیه به «درویشان تصوف» و «محبان»، به تفصیل اصول جوانمردی آن‌ها را بیان می‌کند (عنصرالمعالی، ۱۳۷۵: ۲٤٦-۲۵۲). این موضوع نشان می‌دهد که در روزگار وی تصوف و فتوت را از هم جدا نمی‌دانسته‌اند. پیوند فتوت با تصوف باعث شد بسیاری از نویسندگان صوفی‌مشرب در تدوین کتب تصوف، بخشی از آثار خود را به فتوت اختصاص دهند یا آثاری با نام فتوت‌نامه تألیف کنند. مؤلفان غالب فتوت‌نامه‌ها همچون فتوت‌نامه ابوعبدالرحمن سُلَمی، عبدالرزاق کاشانی، شمس‌الدین آملی، شهاب‌الدین یحیی سهروردی و... از اهل تصوف بوده‌اند. از همین روی عده‌ای از پژوهشگران، جوانمردی را ترکیبی از اصول عیاری و مبادی صوفیه نامیده‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۷۳: ۱۷۰).

اگر در گفتمان فتوت عیاری از مقابله با بدکاران، ستم‌پیشه‌گان و حکام جائر سخن به میان می‌آمد و عیار می‌کوشید جامعه را از لوث وجود آن‌ها پاک کند، در فتوت صوفیانه دشمن اصلی فتی، نفس او و زهد و تقوا و اخلاص شعارش شد. فتی نیز به تعبیر قشیری به فردی اطلاق شد که «خصم کسی نباشد جز خودش» (قشیری، ۱۳۹۱: ۲۲٦). با چنین تحول و دگرگونی عمیقی که در فتوت صورت می‌گیرد، هانری کربن این انتقال را گذار از «شوالیه‌گری نظامی و جنگی» به «شوالیه‌گری معنوی و عرفانی» یا تبدیل حماسه پهلوانی به حماسه عرفانی می‌داند که از ویژگی‌های فرهنگ ایرانی است (کربن، ۱۳۸۳: ٦).

هرچند تأکید فتوت صوفیانه بر اصلاح و نجات فردی است، با این همه باید ارتباط آن با اجتماع را در همان عناصر و اصولی دید که ابوعبدالرحمن سُلمی در اثر خویش از آن‌ها یاد می‌کند. او فتوت را سخاوت همگانی و شفقت بر خلق، چشم‌پوشی از حقوق خود به سود دیگران، ملاطفت با اخوان و تلاش در رفع مشکلات آن‌ها، دشمنی نکردن با اخوان به سبب مسائل دنیوی، شناخت قدر و منزلت مردان، حفظ تقوا و پاک‌دامنی و دیگر عناصر و سازه‌های اخلاقی می‌داند (سلمی، ۱۳۸۵: ۱۷-۸۷).

صوفیان در ایران، بنا به نظر استاد سعید نفیسی «همواره تصوف را برای خواص و جوانمردی را برای عوام می‌دانسته‌اند و هر دو را با هم ترویج می‌کرده‌اند» (نفیسی، ۱۳٤۳: ۱۳۲). از آنجایی که بدنه فتیان در ایران توده مردم یا طبقه مولد ثروت مثل پیشه‌وران، صنعتگران و کسبه بوده‌اند و این‌ها امکان و فرصت دوری‌گزینی از اجتماع مردم را نداشته‌اند، صوفیان با ترغیب آن‌ها به جوانمردی می‌کوشیدند باعث بسط فضایل اخلاقی در جامعه شوند. این امر باعث رفت‌وآمد فتیان نزد صوفیان شد و حتی لنگر و زاویه جوانمردان نیز خانقاه نامیده شد.

در عهد مغول، فتوت صوفیانه بیش از دیگر گرایش‌ها و آیین‌های آن روزگار در جذب و جلب توده‌ها توفیق عمل یافت. اصناف و طبقه مولد جامعه در این عصر علاقه شدید به آیین فتوت و مجامع فتیان یافتند. این امر حکایت از نفوذ فتوت و قدرت سیاسی–اجتماعی فتیان در آن روزگار دارد.

مهم‌ترین تحول فتوت در مرحله صوفیانه و ملامتی، تغییر در پایگاه اجتماعی و انتقال مرکز ثقل آن از گروه‌های عیار و جوانمرد شهری به محافل صوفیانه و شبکه‌های خانقاهی بود. در این دوره مشایخ صوفیه، مریدان خانقاه‌ها و نویسندگان آثار عرفانی به مهم‌ترین حاملان و مفسران این سنت تبدیل شدند. بااین‌حال، ورود فتوت به تصوف به معنای جدا شدن آن از جامعه شهری نبود. بسیاری از فتیان همچنان از میان پیشه‌وران، اصناف و طبقات مولد جامعه برخاستند و خانقاه‌ها نیز در ارتباط با همین گروه‌های اجتماعی به فعالیت خود ادامه دادند. گزارش ابن‌بطوطه از خانقاه‌های فتیان در ایران، عراق و آسیای صغیر، نشان‌دهنده استمرار حضور اجتماعی این جریان در میان طبقات مختلف جامعه است (ابن‌بطوطه، ۱۳۷٦: ۳٤۷–۳٦۱).

در این مرحله، کارکرد فتوت از دفاع مستقیم اجتماعی و کنش جمعی عیاران به تربیت اخلاقی و اصلاح فردی–اجتماعی تغییر یافت. در این دوره، مهم‌ترین میدان مبارزه فتی نه دشمن بیرونی، بلکه نفس انسانی بود. از نگاه صوفیان، جوانمرد کسی بود که بر خودخواهی، غرور و تمایلات نفسانی غلبه کند و از طریق اخلاص، ایثار و خدمت به خلق به کمال اخلاقی برسد. با وجود این تحول، فتوت صوفیانه صرفاً به اصلاح فردی محدود نشد. مفاهیمی مانند سخاوت، دستگیری از نیازمندان، رعایت حقوق دیگران، وفای به عهد و شفقت بر خلق همچنان بخش مهمی از هویت اجتماعی آن را تشکیل می‌داد.

از منظر مبانی فکری و نسبت با ساختار قدرت، فتوت صوفیانه با انتقال تأکید از عرف اجتماعی به اخلاق و سلوک عرفانی، بر مفاهیمی چون اخلاص، محبت، تقوا و خدمت به خلق استوار شد و اعتبار آن بیش از پیش از سنت تربیتی مشایخ و نفوذ معنوی آنان ناشی گردید (سلمی، ۱۳۸۵: ۱۷–۸۷؛ قشیری، ۱۳۹۱: ۲۲٦). در نتیجه، تعامل فتوت با ساختار قدرت، برخلاف برخی صورت‌های عیاری، عمدتاً از مسیر نفوذ اجتماعی و معنوی مشایخ و شبکه‌های خانقاهی صورت می‌گرفت و نه از طریق کنش مستقیم سیاسی.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مرحله، افزایش سازمان‌یافتگی فتوت بود. ورود این جریان به محیط خانقاه موجب شکل‌گیری ساختارهای منظم‌تری شد. وجود شیخ، رابطه مراد و مرید، آداب تشرف، سلسله‌های تربیتی و تدوین فتوت‌نامه‌ها، چهارچوبی پایدارتر برای انتقال و استمرار این سنت ایجاد کرد.

مرحله چهارم تحول فتوت: نهادینه‌شدن فتوت در ساختار خلافت عباسی

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در تاریخ فتوت، ورود آن به ساختار رسمی قدرت در اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری است. در عصر خلافت الناصر لدین‌الله عباسی (۵۷۵–۶۲۲ ق)، این سنت برای نخستین‌بار به‌صورت مستقیم وارد ساختار قدرت شد و در قالب برنامه‌ای سیاسی و ایدئولوژیک برای تقویت جایگاه خلافت سامان یافت (سیادت، ۱۳۸۰: ۱۷۶–۱۹۰؛ جواد، ۱۳۹۹: ۶۰). این تحول را باید ادامه منطقی مراحل پیشین دانست؛ زیرا فتوت پس از عبور از مرحله عیاری و سپس بازتفسیر دینی و عرفانی، در محیط‌های صوفیانه به انسجام فکری و سازمانی بیشتری دست یافته بود و همین ظرفیت، امکان حضور آن را در عرصه سیاسی فراهم ساخت.

شرایط سیاسی و اجتماعی خلافت عباسی در این دوره، زمینه مهمی برای این دگرگونی فراهم کرد. خلافت پس از سده‌ها کاهش اقتدار سیاسی، با قدرت‌گیری حکومت‌های محلی، رقابت امیران و تهدیدهای خارجی روبه‌رو بود و برای بازسازی اقتدار خود، افزون بر ابزارهای نظامی، به سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی نیاز داشت. در این میان، فتوت به دلیل نفوذ گسترده در میان گروه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه عیاران، پیشه‌وران، جوانمردان شهری و طبقات مردمی، ظرفیتی مهم برای سیاست خلافت به شمار می‌آمد. الناصر با درک این ظرفیت کوشید جریان‌های پراکنده فتیان را تحت نظارت خلافت قرار دهد و از این شبکه اجتماعی برای تقویت مشروعیت دینی و سیاسی خویش بهره گیرد (سیادت، ۱۳۸۰: ۱۸۰–۲۰۰).

اقدام الناصر در پیوستن به فتوت در سال ۵۷۸ ه ق. و سپس صدور منشور رسمی فتوت در سال ۶۰۴، نقطه آغاز این تحول بنیادین بود. پیش از این، گروه‌های مختلف فتیان با آیین‌ها، استادان و شیوه‌های انتقال خاص خود فعالیت می‌کردند و گاه برخی گروه‌های عیار نیز در برابر قدرت سیاسی موضعی انتقادی یا حتی معارض داشتند. منابع و پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهند که عیاران بغداد در برخی دوره‌ها به دلیل نارضایتی از حکومت عباسی و درگیری با کارگزاران آن، به نیرویی اجتماعی–سیاسی تبدیل شده بودند (ابن‌الجوزی، ۱۹۹۵: ۶۹–۲۶۴؛ جواد، ۱۳۹۹: ۳۵–۴۲). از این منظر، یکی از اهداف مهم الناصر می‌توانست مهار نیروهایی باشد که خارج از کنترل خلافت عمل می‌کردند. او با ابطال برخی سنت‌های پیشین فتوت و الزام به تجدید فتوت از طریق خلیفه، خود را مرجع عالی این آیین معرفی کرد (جواد، ۱۳۹۹: ۶۰).

بدین‌ترتیب، فتوت که پیش‌تر بر مشروعیت اخلاقی و اجتماعی استوار بود، برای نخستین‌بار با اقتدار سیاسی خلافت پیوند یافت. ارسال «سراویل فتوت» برای امیران و فرمانروایان مسلمان و دعوت آنان به پیوستن به فتوت ناصری، صرفاً اقدامی تشریفاتی نبود؛ بلکه تلاشی برای بازنمایی خلافت عباسی به‌عنوان

مرکز معنوی جهان اسلام محسوب می‌شد. فرمانروایانی چون ملک عادل، ملک کامل، ملک معظم و ملک اشرف از سلاطین ایوبی، شهاب‌الدین غوری از فرمانروایان غوری و اتابک سعد زنگی از فرمانروایان اتابکان فارس (سلغریان) از جمله کسانی بودند که به این آیین پیوستند (همان، ٦٣). هرچند این پیوستن الزاماً به معنای پذیرش سلطه سیاسی مستقیم خلیفه نبود؛ اما در سطح نمادین، جایگاه خلافت را تقویت می‌کرد.

از منظر پایگاه اجتماعی، این مرحله تغییر مهمی در حاملان اصلی فتوت ایجاد کرد. در فتوت رسمیِ خلافت، امیران، کارگزاران حکومتی و شبکه‌های وابسته به قدرت به جمع حاملان فتوت افزوده شدند. به این ترتیب، فتوت از یک سنت عمدتاً مردمی و اجتماعی، به نهادی سیاسی تبدیل شد.

از نظر کارکرد اجتماعی نیز تحول مهمی رخ داد. در مراحل نخست، فتوت کارکردی حمایتی و اعتراضی داشت و دفاع از مظلومان، یاری تهیدستان و مقابله با بی‌عدالتی از مهم‌ترین جلوه‌های آن بود؛ اما در عصر الناصر، بخشی از این کارکردها جای خود را به اهداف سیاسی و حکومتی داد. خلافت تلاش کرد از سازمان فتیان برای ایجاد نظم اجتماعی، تقویت اقتدار حکومت و کنترل نیروهای مستقل شهری استفاده کند.

از منظر مبانی فکری و نسبت با ساختار قدرت، در دوره الناصر گفتمان فتوت از تکیه بر فضایل فردی و اجتماعیِ جوانمردی به سوی پیوند این ارزش‌ها با مشروعیت دینی و سیاسی خلافت بازتعریف شد. خلیفه نه‌تنها عضو فتوت، بلکه مرجع و رهبر آن معرفی شد و بدین‌ترتیب، شبکه گفتمانی و ارزش‌های فتوت در چهارچوب اقتدار خلافت صورت رسمی‌تری یافت. ارسال «سراویل فتوت» برای فرمانروایان مسلمان و دعوت آنان به عضویت در این آیین نیز نشان‌دهنده گسترش این گفتمان در میان نخبگان سیاسی بود. در نتیجه، فتوت در این دوره از یک سنت اخلاقی–اجتماعی به ابزاری برای تقویت پیوند نمادین میان خلافت و جوامع شهری تبدیل شد؛ هرچند این فرایند، چنان‌که زرین‌کوب اشاره می‌کند، از صبغه اعتراضی و استقلال پیشین آن کاست و به رسمی و اشرافی‌شدن فتوت انجامید (زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۳۵۱).

از نظر سازمان‌یافتگی نهادی، فتوت ناصری نسبت به مراحل پیشین دارای ساختاری منسجم‌تر شد. خلافت در این دوره با ایجاد سلسله‌مراتب، آیین‌های رسمی، نمادهای مشترک و شبکه‌ای گسترده از وابستگان، آن را به نهادی فراگیر تبدیل کرد. ابن‌معمار، نظریه‌پرداز فتوت ناصری در کتاب *فتوت‌نامه* خود، عنوان فصل هفتم را «در کیفیت جوانمرد و صفات داوطلب/ شاگرد و اجتماع/ گردهمایی و مهمان کردن و خطبه و میان بستن و تکمیل و شُرب» می‌نامد (ابن‌معمار، ۱۳۹۹: ۱۷۷). این عنوان دلالت آشکاری بر ساختاریافتگی فتوت در دوره الناصر دارد.

با این همه، رسمی‌شدن فتوت به معنای از میان رفتن کامل ابعاد اخلاقی و اجتماعی آن نبود. بسیاری از ارزش‌های بنیادین جوانمردی همچنان در فتوت‌نامه‌ها و میان گروه‌های مردمی باقی ماند. با سقوط خلافت عباسی به دست مغولان در سال ٦٥٦ هجری قمری، سازمان سیاسی فتوت ناصری نیز فروپاشید؛ اما خود آیین فتوت از میان نرفت. رهایی فتوت از پیوند مستقیم با خلافت، زمینه را برای بازگشت دوباره آن به عرصه‌های اجتماعی، صنفی و فرهنگی فراهم کرد. به همین دلیل، این مرحله را باید حلقه‌ای واسط میان فتوت صوفیانه و فتوت اصناف دانست؛ مرحله‌ای که در آن، این سنت برای نخستین‌بار تجربه سازمان سیاسی و نهادی گسترده را پشت سر گذاشت و میراثی را پدید آورد که در سده‌های بعد در تشکل‌های شهری و حرفه‌ای استمرار یافت.

مرحله پنجم تحول فتوت: استقرار فتوت در سازمان‌های صنفی

آخرین مرحله مهم در روند تحول تاریخی فتوت، پیوند آن با سازمان‌های صنفی و نهادینه‌شدن این سنت در ساختار اجتماعی اصناف بود. از سده‌های هفتم تا دهم هجری، با گسترش و سازمان‌یافتگی اصناف و گروه‌های حرفه‌ای، فتوت به‌تدریج با ساختارهای صنفی پیوند یافت و بسیاری از ارزش‌ها، آیین‌ها و هنجارهای آن در روابط میان استاد، شاگرد و اعضای حرفه‌ها بازتاب پیدا کرد. بدین‌ترتیب، فتوت از یک سنت اخلاقی عمومی به مجموعه‌ای از هنجارهای اخلاقی و حرفه‌ای در میان اصناف تبدیل شد (افشاری و مداینی، ١٣٨٨: ٤٣-٤٤).

پیوند فتوت با اصناف را باید نتیجه طبیعی تحولاتی دانست که در مراحل پیشین رخ داده بود. فتوت پس از تجربه حضور در میان عیاران، بازتفسیر دینی در سنت‌های شیعی و سنی، بازخوانی در محیط‌های صوفیانه و تجربه سازمان‌یافتگی در ساختار خلافت عباسی، در این مرحله ظرفیت آن را یافت که با نهادهای صنفی و حرفه‌ای پیوند یابد. بدین‌ترتیب، مرکز ثقل فتوت از گروه‌های رزمی و محافل مذهبی و عرفانی به پیشه‌وران، صنعتگران، استادکاران و شبکه‌های صنفی منتقل شد.

زمان دقیق پیوند اصناف با فتوت کاملاً روشن نیست؛ بااین‌حال، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که پیشه‌وران و صاحبان حرفه از سده‌های نخستین اسلامی در برخی تحولات اجتماعی و سیاسی حضور داشته‌اند. اگر در میان جوانمردان، پای‌بندی به قول، اصلی مهم و اخلاقی بود، این مهم در بین کسبه و اصحاب حرف همواره مد نظر بوده است. بی‌نیازی از مراکز قدرت که از بایسته‌های مشاغل شهری بوده و در فتوت به آن توجه شده، در ارتباط با زندگی شهری شکل می‌گیرد و این نشانه ارتباط فتوت با حیات

مدنی و پیوستگی با طبقات پیشه‌ور شهری است و ایرانیان حضور چشمگیری در این‌گونه طبقات داشته‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۳٤۷). در قرون اولیه اسلامی نشانه‌های حضور اصحاب صنعت، کسبه و پیشه‌وران در جنبش‌های ملی و استقلال‌خواهی ایرانیان قابل ملاحظه است. یعقوب لیث صفار که پایه‌گذار اولین حکومت ملی و ایرانی بعد از اسلام است، مردی عیار و رویگرزاده بود. بی‌گمان «نقش رویگران سیستان و روی کار آمدن حکومت صفاریان در آن ولایت در سال ۲۹٦ هجری نشانگر نفوذ و گسترش اصناف و پیشه‌وران است» (روحانی، ۱۳٦٦: ۷٤).

نویسنده *قابوس‌نامه* در قرن پنجم هجری، جوانمردی را مجموعه‌ای از اصول اخلاقی برای گروه‌های مختلف اجتماعی، از جمله اصناف ضروری می‌دانست (عنصرالمعالی، ۱۳۷۵: ۲٤٦). از حدود سده ششم هجری نیز، بر اساس برخی شواهد، اصناف «روش‌های اخلاقی و آیین‌های فتیان را اخذ نمودند و به سازمان‌های فتیان پیوستند» (گراوند و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۹). این پیوند در سده هشتم هجری آشکارتر شد؛ به‌گونه‌ای که به گزارش محجوب، اکثریت جوانمردان را هنرمندان، صنعتگران و پیشه‌وران تشکیل می‌دادند (محجوب، ۱۳۸۵: ۱۸٤). از سوی دیگر، شباهت در آیین تشرف و برخی مراتب تشکیلاتی، از جمله نقیب، شیخ، پیر و شاگرد، نشان‌دهنده پیوند سازمانی میان فتیان و اصناف بود (گراوند و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱٦). رواج فتوت‌نامه‌های صنفی از سده هشتم به بعد، مانند فتوت‌نامه‌های قصابان، دلاکان، چیت‌سازان و سقایان، نیز این پیوند را به‌صورت روشن‌تری نشان می‌دهد؛ زیرا در این آثار، آداب و لوازم هر حرفه با اصول و آیین‌های جوانمردی پیوند داده شده است (مؤذنی و مهری، ۱۳۸۹: ۱۷۲).

در فتوت اصناف، ارزش‌های جوانمردی با نیازهای جامعه شهری و مناسبات اقتصادی پیوند خورد. اصولی مانند راست‌گویی، امانت‌داری، انصاف در معامله، رعایت حقوق مشتری، پرهیز از فریب، کسب روزی حلال و احترام به استاد و پیشکسوت، به عناصر اصلی اخلاق حرفه‌ای تبدیل شد (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۲٦۰؛ مؤذنی و مهری، ۱۳۸۹: ۱۷۲). این اصول در کنار آداب صنفی به نظم و انسجام روابط میان اعضای حرفه کمک می‌کرد؛ چنان‌که در فتوت‌نامه‌های اصناف، قواعد صنفی با اصول جوانمردی و آداب تصوف پیوند می‌یافت تا «آبروی شغلی اصناف» حفظ و حدود مروت و جوانمردی رعایت شود (سعید شیخلی، ۱۳٦۷: ۸۹–۹۹). همچنین، پیوستن اصناف به فتوت بر «نظم، انسجام و اتحاد» میان صنعتگران، کسبه و پیشه‌وران تأثیر داشت. ازاین‌رو، تحول اصنافی فتوت را باید نه پیدایش ارزش‌های اخلاقی جدید، بلکه انتقال و انطباق ارزش‌های پیشین جوانمردی با روابط و الزامات حرفه‌ای دانست.

یکی از مهم‌ترین نمودهای این تحول را می‌توان در فتوت‌نامه‌های صنفی مشاهده کرد. آثاری مانند

فتوت‌نامه‌های قصابان، دلاکان و دیگر حرفه‌ها نشان می‌دهد که اصناف کوشیدند هویت شغلی خود را با اصول جوانمردی پیوند دهند. نویسندگان این آثار معمولاً برای هر حرفه، پیشینه‌ای مقدس و آیینی ترسیم می‌کردند و آغاز آن را به یکی از پیامبران یا شخصیت‌های دینی نسبت می‌دادند تا برای شغل خویش مشروعیت اخلاقی و معنوی فراهم کنند. در این متون، حرفه تنها وسیله کسب درآمد نبود، بلکه عرصه‌ای برای تحقق فضایل انسانی و رعایت موازین جوانمردی به شمار می‌رفت.

نقش تصوف در شکل‌گیری این پیوند نیز قابل توجه است. اگرچه برخی جریان‌های صوفیانه بر دوری از دنیا تأکید داشتند، بسیاری از مشایخ صوفیه با کار و کسب بیگانه نبودند و گروهی از آنان خود به پیشه‌هایی مانند آهنگری، دوزندگی و تجارت اشتغال داشتند (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۷۲–۷۳). همین ارتباط میان صوفیان، فتیان و پیشه‌وران سبب شد که در فتوت‌نامه‌های صنفی، قواعد حرفه‌ای از یک سو با اصول جوانمردی و از سوی دیگر با آموزه‌های اخلاقی تصوف پیوند یابد. برای مثال در «رساله نمدمالی» وظایف اخلاقی نمدمالان و درویشان که دامن نمد کوتاه می‌کردند و آستین نمد می‌بریدند و نمد می‌پوشیده‌اند، شرح داده شده است. در این رساله تأکید شده که «استادان نمدمال فرمانبردار و ملائم و افتاده و خاکی باشند و عُجب و تکبر به خود راه ندهند» (افشاری و مداینی، ۱۳۸۸: ۱٤۹). در «رساله خبازان» به نانوایان می‌آموزد که دینداری و درستکاری را پیشه خود کنند، با مشتریان به انصاف رفتار کنند و خوش‌روی و پاکیزه‌گوی و اهل احسان باشند؛ مانند دیگر فتوت‌نامه‌ها و رسایل صنفی، صبغه زهد و تصوف در این رساله نیز نمودار است (همان: ۱٥٤، ۱٦۰–۱٦٤). در نتیجه، کار و پیشه نه مانعی برای سلوک معنوی، بلکه زمینه‌ای برای تحقق اخلاق دینی و اجتماعی تلقی شد.

از نظر سازمان‌یافتگی نهادی، فتوت اصناف کامل‌ترین شکل پیوند فتوت با ساختارهای اجتماعی بود. رابطه استاد و شاگرد، آیین‌های ورود به حرفه، مراتب عضویت، انتقال اسرار و مهارت‌های شغلی و پای‌بندی به قواعد اخلاقی، همگی ساختاری منسجم برای استمرار این سنت فراهم کرد. توصیفات ابن‌بطوطه از خانقاه‌ها و لنگرهای فتیان و تمایل مفرط آن‌ها به مهمان‌نوازی در قرن هشتم، نشان می‌دهد که این پیشه‌وران با گروه‌های جوانمردان در ارتباط بوده‌اند (ر.ک: ابن‌بطوطه، ۱۳۷٦: ۲٤۷؛ خجسته و دیگران، ۱٤۰۲: ۱۸–۱۹).

از منظر مبانی فکری و نسبت با ساختار قدرت، فتوت اصناف بر پیوند میان ارزش‌های جوانمردی، آموزه‌های دینی و اخلاق صوفیانه با الزامات زندگی شهری و حرفه‌ای استوار شد. در این مرحله، پشتوانه فکری و اجتماعی فتوت بیش از آنکه به پیوند با قدرت سیاسی وابسته باشد، از کارکرد آن در ایجاد اعتماد،

حفظ اعتبار حرفه‌ای و تنظیم مناسبات اجتماعی ناشی می‌شد؛ چنان‌که آموزه‌های دینی و صوفیانه، کار و پیشه را به عرصه‌ای برای تحقق فضایل اخلاقی تبدیل کردند. از همین رو، نسبت فتوت با ساختار قدرت عمدتاً غیرمستقیم بود و فتیان و پیشه‌وران بیش از آنکه در پی پیوند با قدرت سیاسی باشند، در چهارچوب مناسبات شهری به نقش‌آفرینی اجتماعی می‌پرداختند. بااین‌حال، این استقلال نسبی مانع از حضور آنان در تحولات سیاسی نبود و در مواردی، مانند نقش جوانمردان و پیشه‌وران در جنبش سربداران، ظرفیت اجتماعی فتوت به مشارکت سیاسی نیز منجر شد. بدین‌ترتیب، در سده‌های متأخر، فتوت با حفظ مبانی اخلاقی و دینی خود، از طریق شبکه‌های صنفی و شهری به عرصه‌ای برای کنش اجتماعی و گاه سیاسی بدل شد، بی‌آنکه مانند فتوت رسمی دوره ناصری، مستقیماً در ساختار خلافت ادغام شود.

در مجموع، استقرار فتوت در سازمان‌های صنفی را باید آخرین مرحله مهم تحول تاریخی این سنت در فاصله قرن دوم تا دهم هجری دانست. فتوت طی این قرون توانست اصولی چون جوانمردی، عدالت، ایثار، امانت‌داری، وفاداری و خدمت به دیگران را از میدان‌های جنگ و سیاست به عرصه زندگی روزمره مردم منتقل کند. از این منظر، فتوت اصناف نه پایان تاریخ فتوت، بلکه مرحله‌ای بود که این سنت بیش از هر زمان دیگر با بافت اجتماعی و فرهنگی شهرهای اسلامی درآمیخت.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بود که فتوت در فاصله سده دوم تا دهم هجری قمری چه مراحل اصلی تحول را پشت سر گذاشت و چگونه دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی، ساختار، کارکرد و جایگاه آن را متحول ساختند. نتایج نشان می‌دهد که نخستین مرحله تحول فتوت در بستر جامعه شهری و در میان عیاران شکل گرفت؛ جایی که جوانمردی بیشتر با ارزش‌هایی چون حمایت از فرودستان، مقابله با ستم، وفاداری گروهی و دفاع از جامعه شهری پیوند داشت. در این دوره، اعتبار فتوت عمدتاً بر مقبولیت اجتماعی و پای‌بندی به هنجارهای جوانمردی استوار بود. با گسترش نفوذ اسلام و ورود عناصر دینی به این سنت، فتوت در مرحله دوم، ضمن حفظ بسیاری از ارزش‌های پیشین، با آموزه‌های اسلامی پیوند یافت و از پشتوانه‌ای دینی برخوردار شد. این تحول موجب شد فتوت از یک منش اجتماعی، به سنتی اخلاقی با پشتوانه شیعی تبدیل شود.

در مرحله سوم، با گسترش تصوف و شکل‌گیری شبکه‌های خانقاهی، فتوت وارد دوره تازه‌ای از بازتفسیر معنوی شد. در این دوره، ارزش‌هایی مانند شجاعت، ایثار، سخاوت و وفاداری، بیش از آنکه صرفاً

در عرصه کنش اجتماعی معنا یابند، در چهارچوب تهذیب نفس، اخلاص، خدمت به خلق و سلوک عرفانی تفسیر شدند.

مرحله چهارم با ورود فتوت به ساختار رسمی خلافت عباسی در عصر الناصر لدین‌الله همراه بود. در این دوره، فتوت برای نخستین بار به‌طور مستقیم با قدرت سیاسی پیوند یافت و از سنتی اجتماعی و اخلاقی به ابزاری برای تقویت اقتدار خلافت تبدیل شد. سیاست الناصر نشان داد که فتوت به دلیل برخورداری از سرمایه اجتماعی و نفوذ گسترده در میان گروه‌های مختلف جامعه، ظرفیت تبدیل شدن به نهادی سیاسی را نیز داشت. با این حال، این تحول هم‌زمان موجب کاهش استقلال سنتی فتوت و تضعیف وجه اعتراضی برخی جریان‌های عیاری شد؛ زیرا نیرویی که پیش‌تر گاه در برابر قدرت‌های مسلط قرار می‌گرفت، اکنون بخشی از ساختار مشروعیت‌بخش حکومت شده بود.

در مرحله پنجم، فتوت با ورود به سازمان‌های صنفی، پایدارترین صورت اجتماعی خود را یافت. در این دوره، پیشه‌وران و اصناف، حاملان اصلی این سنت شدند و ارزش‌های جوانمردی با اخلاق حرفه‌ای، امانت‌داری، انصاف، رعایت حقوق دیگران و مسئولیت اجتماعی پیوند خورد. فتوت‌نامه‌های صنفی نشان می‌دهند که این آیین توانست میان مهارت حرفه‌ای و تربیت اخلاقی ارتباط برقرار کند و در تنظیم روابط اقتصادی و اجتماعی شهرهای اسلامی نقش ایفا کند.

بررسی این پنج مرحله نشان می‌دهد که تحول تاریخی فتوت فرایندی خطی و یکسان نبوده، بلکه این سنت در مواجهه با دگرگونی‌های اجتماعی، دینی و سیاسی، صورت‌ها و کارکردهای متفاوتی یافته است. فتوت از کنش‌های عیاری در محیط شهری آغاز شد، در مراحل بعد با آموزه‌های دینی و عرفانی پیوند یافت، در عصر الناصر لدین‌الله به‌صورت نهادی با ساختار خلافت ارتباط پیدا کرد و سرانجام در سده‌های متأخر در سازمان‌های صنفی و فرهنگ شهری استقرار بیشتری یافت. در این فرایند، پایگاه اجتماعی، کارکرد، سازمان‌یافتگی و نسبت فتوت با ساختار قدرت تغییر کرد؛ اما ارزش‌هایی چون جوانمردی، وفاداری، ایثار و حمایت از دیگران، با بازتعریف متناسب با هر دوره در صورت‌های گوناگون این سنت استمرار یافت. بنابراین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تداوم تاریخی فتوت را باید بیش از آنکه ناشی از ثبات یک شکل نهادی مشخص دانست، حاصل قابلیت آن برای بازتفسیر و انطباق با زمینه‌های اجتماعی، دینی و سیاسی متفاوت در دوره‌های تاریخی مورد بررسی تلقی کرد.

پی‌نوشت

۱ .تشکیلات عیاران از سازمانی نسبتاً منظم و سلسله‌مراتبی برخوردار بود. بر اساس گزارش‌ها، هر ده عیار

زیر نظر یک «عریف» فعالیت می‌کردند، هر ده عریف تابع یک «نقیب» بودند، هر ده نقیب را یک «قائد» (سرهنگ) فرماندهی می‌کرد و هر ده قائد نیز زیر نظر یک «امیر» قرار داشت (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

کتاب‌نامه

- ابن‌اثیر، عزالدین (۱۳٦٤). الکامل فی‌التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت. تهران: کتب ایران.
- ابن‌الجوزی (۱۹۹۵). المنتظم فی تاریخ‌الملوک و الأمم، تصحیح سهیل زکار. بیروت: دارالفکر.
- ـــــــــ (بی‌تا). تلبیس ابلیس. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن‌بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷٦). سفرنامه ابن‌بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد. تهران: آگاه.
- ابن‌جبیر (۱۳۷۰). سفرنامه، ترجمه پرویز اتابکی. تهران: آستان قدس رضوی.
- ابن‌معمار، محمد بن ابی‌المکارم (۱۳۹۹). فتوت‌نامه، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی. تهران: انتشارات صمدیه.
- افشار، ایرج و افشاری، مهران (۱۳۸۵). قصه حسین کرد شبستری (بر اساس روایت ناشناخته‌ای موسوم به حسین‌نامه). تهران: چشمه.
- افشاری، مهران؛ مداینی، مهدی (۱۳۸۸). فتوت و اصناف (چهارده رساله در باب فتوت و اصناف)، چاپ ۳. تهران: نشر چشمه.
- افشاری، مهران (۱۳۸٤). آیین جوانمردی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۵۳). تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های زورخانه‌رو. تهران: فرهنگ و هنر.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۵). «عیاران و جنبش‌های اجتماعی»، در: آیین جوانمردی، هانری کربن، ترجمه احسان نراقی. تهران: سخن.
- بیانی، شیرین (۱۳٦۷). دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ـــــــــ (۱۳۷۰). دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیطار، امیه (۱۹۸۰). «الحیاة الاقتصادیة فی بلاد الشام بین سنتی ۱۳۲–۳۵۹ق». دمشق: مجلة الدراسات التاریخیة.
- پرتو بیضایی کاشانی، حسین (۱۳۸۲). تاریخ ورزش باستانی ایران. تهران: زوار.
- پطروشفسکی، ای. پ. (۱۳۵۱). نهضت سربداران خراسان، ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
- پولادیان، حسین؛ خجسته، فرامرز؛ انصاری، زهرا (۱٤۰۰). «بازپژوهی مؤلفه‌های شیعی آیین فتوت»،

نشریه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۳، ش ٤٥، صص ٥٩-٨٢.

- پولادیان، حسین (١٤٠١). «بررسی مؤلفه‌های آرمان‌شهری گفتمان‌های فتوت»، فصلنامه علمی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهرا، س ١٤، ش ٣١، صص ٣٧-٧٥.
- تاریخ سیستان (١٣٨٩). تصحیح محمدتقی بهار. تهران: اساطیر.
- تشنر، فرانتس (١٣٨٥). «فتوت در کشورهای اسلامی»، در: آیین جوانمردی، هانری کربن، ترجمه احسان نراقی. تهران: سخن.
- حاکمی، اسماعیل (١٣٨٢). آیین فتوت و جوانمردی. تهران: اساطیر.
- خجسته، فرامرز؛ پولادیان، حسین؛ آرخی، محمود (١٤٠٢). «بازنمود گفتمان اقتصادی آرمان‌شهر جوانمردی و عیاری»، فصلنامه علمی کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، س ٢٤، ش ٥٨، صص ٩-٤٥.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (١٣٥٣). تاریخ حبیب‌السیر، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، ج ٢. تهران: خیام.
- جواد، مصطفی (١٣٩٩). مقدمه بر فتوت‌نامه ابن‌معمار، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی. تهران: انتشارات صمدیه.
- جوینی، عطاملک بن محمد (١٣٨٥). تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی، ج ١، چ ٤. تهران: دنیای کتاب.
- دوری، عبدالعزیز (١٩٦٩). مقدمة فی التاریخ الاقتصادی العربی. بیروت: دارالطلیعة للطباعة والنشر.
- روحانی، سید کاظم (١٣٦٦). «اصناف و پیشه‌وران در تاریخ ایران»، کیهان اندیشه، شماره ١١، صص ٧٠-٨٣.
- رهبری، عباس (١٣٤٧). «گود مقدس زورخانه را حرمت نهیم»، مجله تلاش، شماره ١٤.
- ریاض، محمد (١٣٨٨). فتوت‌نامه، به انضمام رساله فتوتیه میر سید علی همدانی، چ ٢. تهران: اساطیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (١٣٧٣). ارزش میراث صوفیه، چ ٦. تهران: امیرکبیر.
- ـــــــــــــــــ (١٣٨٣). تصوف در منظر تاریخی آن، ترجمه مجدالدین کیوانی. تهران: سخن.
- ـــــــــــــــــ (١٣٩٠). جست‌وجو در تصوف ایران، چ ١٠. تهران: امیرکبیر.
- سعید شیخلی، صباح ابراهیم (١٣٦٧). اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم‌زاده. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سلمی، ابوعبدالرحمن (١٣٨٥). جوانمردی و جوانمردان (الفتوة)، ترجمه قاسم انصاری، چ ٢. تهران: حدیث امروز.

- سیادت، سید عبدالرزاق (۱۳۸۰). بررسی پدیده فتوت و علل توجه خلیفه ناصر به آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: گروه تاریخ دانشگاه شیراز.
- شعبانی، رضا (۱۳۷٤). مبانی تاریخ اجتماعی ایران، چ ٤. تهران: قوم.
- شیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۹). همبستگی میان تصوف و تشیع، ترجمه علی‌اکبر شهابی. تهران: دانشگاه تهران.
- صدیق ایمانی، مصطفی (۱۳۸۷). «آیین جوانمردی، زورخانه و ورزش باستانی در روند تاریخ»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۱، صص ٤۲-۵۷.
- صراف، مرتضی (۱۳۷۰). رسایل جوانمردان (مشتمل بر هفت فتوت‌نامه)، چ ۲. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه و شرکت انتشارات معین.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۷۵). قابوس‌نامه، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: علمی و فرهنگی.
- قشیری، ابوالقاسم (۱۳۹۱). رساله قشیریه، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، چ ۱۱. تهران: علمی و فرهنگی.
- کاشانی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳٦۹). تحفةالإخوان فی خصائص الفتیان، با مقدمه و تصحیح و تعلیق محمد دامادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۵۰). فتوت‌نامه سلطانی، به اهتمام محمدجعفر محجوب. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کاظمینی، کاظم (۱۳٤۳). نقش پهلوانی و نهضت عیاری در حیات اجتماعی و سیاسی ملت ایران. بی‌جا: انتشارات بانک ملی ایران.
- کربن، هانری (۱۳۸۵). آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، چ ۲. تهران: سخن.
- کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد (۱۳٦٦). سلجوقیان و غز در کرمان، تحریر محمد ابراهیم خبیصی، با تصحیح و حواشی محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: انتشارات سروش.
- کرمی‌پور، حمید (۱۳۹۷). «بررسی تحول آیین پهلوانی و عیاری در ایران با تأکید بر خراسان سده‌های هفت و هشت هجری»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، س ۸، ش ۲، صص ۱-۲۳.
- گراوند، مجتبی؛ آیینه‌وند، صادق؛ آقاجری، هاشم؛ منظورالأجداد، سید محمدحسین (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل گفتمان فتوت در تاریخ اسلام از سده چهارم تا سده هشتم هجری قمری»، مطالعات تاریخ اسلام، س ۳، ش ۱۵، صص ۱۳۷-۱٦٦.

- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۹). فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن، ترجمه توفیق سبحانی. تهران: روزنه.
- گوهرین، سید صادق (۱۳۸۵). «ریشه‌های اجتماعی فتیان و عیاران»، در: آیین جوانمردی، هانری کربن، ترجمه احسان نراقی. تهران: سخن.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۵۰). مقدمه بر: فتوت‌نامه سلطانی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ـــــــــــــــ (۱۳۸۵). «سیری در تاریخ فتوت»، در: آیین جوانمردی، هانری کربن، ترجمه احسان نراقی. تهران: سخن.
- ـــــــــــــــ (۱۳۹۵). «تاریخ فتوت بعد از عصر ناصر»، در: تاریخ و فرهنگ جوانمردی، سید مسعود رضوی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- مسعودی، ابوالحسن (۱۳۷۰). مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- معتمدی، منصور؛ باخدا، فرزانه (۱۳۹۰). «طرحی برای بررسی خاستگاه‌ها و ریشه‌های فتوت در ایران»، مجله مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، س ٤٣، ش ٤، صص ٥٣-٨٢.
- مؤذنی، علی‌محمد و مهری، فاطمه (۱۳۸۹). «فتوت: تصوف مدنی»، تحقیقات زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره ۳، صص ۱۵۷-۱۷۹.
- مناظر احسن، محمد (۱۳٦۹). زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه م. رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- میرعابدینی، سید ابوطالب؛ افشاری، مهران (۱۳۷٤). آیین قلندری. تهران: انتشارات فراروان.
- نفیسی، سعید (۱۳٤۳). سرچشمه تصوف در ایران. تهران: فروغی.
- واصفی، زین‌الدین محمود (۱۳٤۹). بدایع‌الوقایع، تصحیح الکساندر بلدروف، جلد ۱. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ولایتی، علی‌اکبر؛ جوادی یگانه، محمدرضا؛ جعفرآقائی، محمدرضا؛ مختاری اصفهانی، رضا (۱۳۹٤). دانشنامه جوانمردی، جلد ۱ و ۲. تهران: امیرکبیر.

Historical Transformation of the Futuwwa Tradition in the History of Islam from the Second to the Tenth Century AH

Hossein.Pouladian*

Lecturer in Persian Language and Literature, Farhangian University, Bushehr Province

Abstract

The Futuwwa tradition is one of the most enduring cultural and social traditions of Islamic civilization. From the early centuries of Islam to the end of the tenth century AH, it underwent significant transformations in interaction with political, religious, social, and economic developments. Despite numerous studies on the origins, ethical foundations, and certain manifestations of Futuwwa, its historical transformation and the factors influencing changes in its structure and functions have received comparatively little systematic attention. The main objective of this study is to explain the historical transformation of Futuwwa and identify the principal factors that shaped this process between the second and the tenth centuries AH. The study proceeds from the assumption that Futuwwa was a dynamic historical institution whose transformations can be understood in relation to changes in social, political, and religious structures. Adopting a historical approach and critically examining historical sources, Futuwwa manuals (futuwwat-nāmas), and other relevant works, the study analyzes the development of Futuwwa according to four analytical criteria: social base, social function, intellectual foundations and relationship with political power, and institutional organization. On this basis, the historical transformation of Futuwwa is examined through five major stages: its formation among the Ayyārān, the religious reinterpretation of Futuwwa with an emphasis on the Shiʿi tradition, its integration into the Sufi tradition, its institutionalization within the political structure of the Abbasid Caliphate, and, finally, its establishment within urban guild organizations. The

*Email: hosseinpouladian1356@gmail.com

Copyright© 2026. TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

findings show that Futuwwa was neither a fixed institution nor characterized by an unchanging nature. Rather, in each historical period, while preserving its ethical core, it redefined its intellectual foundations, social base, and functions in accordance with the circumstances of the time, thereby maintaining its historical continuity. Thus, while preserving fundamental values such as chivalry, self-sacrifice, loyalty, and service to others, Futuwwa gradually evolved from a popular ethical movement into an institution with religious, mystical, political, and guild-related functions. From this perspective, the history of Futuwwa should be understood as a dynamic process of reinterpretation and reorganization of a social value system within the context of transformations in Islamic civilization, whose continuity was sustained above all by its capacity to adapt to changing historical and social conditions.

Kay words: Futuwwa; History of Islam; Historical Transformation; Ayyārān; Sufism; Guilds; Social Institutions